

بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان

جواد آقامحمدی *



هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان است. روش پژوهش در محدوده روش‌های توصیفی - پیمایشی و نوع تحقیق، کاربردی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دیواندره تشکیل داده‌اند. نمونه آماری پژوهش شامل ۲۱۵ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده به صورتی که همه اعضا شانس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند، صورت گرفته است. ابزار اندازه‌گیری تحقیق، به جز منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتب، فصلنامه، مجلات و پایان‌نامه، از پرسشنامه‌ای که محقق تهیه کرده برای سنجش نظرات سود برده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو صورت توصیفی و تحلیلی و در قالب آماره «تی» و «ضریب همبستگی» استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده‌زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد. همچنین بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان آنها اختلاف معناداری مشاهده نشده است.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، الگوی تربیتی والدین، فرزندان.

مقدمه

تحقق هدف آفرینش انسان، تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با براهین روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این‌رو، تعلیم و تربیت مهم‌ترین بخش تعلیمات و معارف ادیان آسمانی، به‌ویژه اسلام را تشکیل می‌دهد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷، ۲۴). انسان تنها در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشمند به اهداف و آرمان‌های خود دست یافته و قلّه رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید؛ از این رهگذر برای انسان مسلمان، تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد؛ زیرا وقتی انسان گردنبد مرواریدی که دانه‌های آن دین و بندگی خالق متعال است را برگردن آویخته، جز در پرتو تربیت صحیح اسلامی به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی‌آید.

خانواده یکی از گروه‌های ابتدایی اجتماعی است که ارتباطش با افراد به‌صورت رودررو و چهره به چهره خواهد بود. در طول تمام تاریخ بشری و در سرتاسر جهان، خانواده از تنوع ذاتی - فرهنگی برخوردار بوده و فرزندان هم تا مدت‌های مدیدی از نظر بقای زیست‌شناختی به بزرگان این نهاد تربیتی و مهم وابسته هستند. پارسونز در ارتباط با نقش خانواده در فرایند تربیتی و اجتماعی شدن، یادآور می‌شود که شخصیت انسان، مادرزاد نیست؛ بلکه یک فرآیند اکتسابی است و در اصل به همین دلیل است که خانواده یکی از نهادهای مهم و کلیدی به شمار می‌آید و شخصیت اصلی و اولیه انسان در این نهاد شکل می‌گیرد (جزایری، ۱۳۸۴، ۳۳). خانواده، نهادی مهم، کلیدی و کانون رشد و

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت

سال اول
شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



آرامش بشری است که بر اساس طبیعت و فطرت الهی و نیازهای جسمی و روحی تشکیل می‌شود و انسان راه کمال خود را از این طریق می‌پیماید. خانواده، نهاد قدرتمند تربیتی است که در آیات و روایات بر نقش تربیتی آن تأکید فراوان شده است و استحکام و نقش‌آفرینی آن، برای رفع دغدغه‌های والدین، اجتناب‌ناپذیر است (حاجی بابایی، ۱۳۹۱، ۳). در این میان، نقش والدین در رتبه نخست اهمیت قرار دارد و آنها باید تلاش کنند تا متری از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد، به نحوی که بتواند فطرت خداجوی خود را کشف و تجربه دینی را به طور حضوری شهود نماید. پس والدین به عنوان الگوهای اصلی و بی‌بدیل زندگی کودک، می‌توانند احساسات، علایق، ویژگی‌های مثبت اخلاقی و ارزش‌های دینی را به او منتقل کنند. در بیان اهمیت موضوع همین کافی است که امام محمد غزالی می‌گوید: «کودک امانتی است در دست پدر و مادر که هرچه در آن کشت کنی، همان را درو خواهی کرد».

در رابطه با موضوع پژوهش، مطالعات میدانی بسیار کمی صورت گرفته است. هر چند این تحقیقات به طور مستقیم به بررسی نقش تربیتی والدین نپرداخته‌اند، لیکن به شکل‌های مختلفی به این مطلب اشاره کرده‌اند که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. اما در زمینه تربیت دینی پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به طور عمده تحلیلی^۱ اسنادی هستند و می‌توان به تحقیقات نوروزی و بدیعیان (۱۳۸۸) با عنوان بررسی الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین (علیه السلام)، همت بناری (۱۳۸۵) در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تأکید بر آیات و روایات، بهشتی و نیکویی (۱۳۹۰) کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام، جمالی‌زاده (۱۳۸۵) با عنوان تحلیل سیره‌شناسی و تربیت دینی برگرفته از الگوی عملی و روش تربیتی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حسنی (۱۳۸۸)، روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و





نهج البلاغه و رحمانی (۱۳۸۲) که به بررسی روش‌شناسی تربیتی امام خمینی، پرداخته اشاره کرد. همچنین نیک‌نژاد و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان، به موضوع تربیت پرداخته و از دیدگاه خواجه طوسی هر یک از اعضای خانواده، تحت تأثیر کیفیت و ماهیت روابط پدر و مادر قرار می‌گیرند و تربیت فرزندان در سال‌های اول زندگی تقریباً به طور کامل از طریق خانواده صورت می‌پذیرد و در این تحقیق به نقش مهم مادران در تربیت فرزندان اشاره شده است. سیلان اردستانی (۱۳۷۹) در طی تحقیقی به این نتیجه رسید که وضعیت اعتقادی والدین نقش مستقیمی در شرکت دانش‌آموزان در نماز ایفا می‌کند؛ البته این تحقیق میان میزان تحصیلات والدین و شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت تفاوت معناداری نیافته است. نصر و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان بررسی فرا تحلیلی عوامل مؤثر بر جذب و شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس از عوامل فردی، خانوادگی، هم‌سالان، محیط و غیره به عنوان عوامل تأثیرگذار در شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت نام برده‌اند. آقامحمدی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد که بر روی ۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان صورت گرفته است، به نقش مهم و بی‌بدیل والدین در هدایت و جذب فرزندان خود به فریضه الهی نماز اشاره کرده‌اند. کریمی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه نگرش مذهبی والدین و شیوه فرزندپروری آنان و نگرش مذهبی دختران، به رابطه مثبت و معناداری بین نگرش مذهبی والدین و دخترانشان اشاره می‌کند.

جوادی و سادی (۱۳۷۶) در مطالعه خود، گرایش دانش‌آموزان دختر راهنمایی و پسر متوسطه به نماز را مورد بررسی قرار دادند، نتایج این تحقیق

نشان داد که عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان این مقطعه تحصیلی به نماز، شامل دبیران دینی، مربیان تربیتی، دوستان، هم‌سالان، والدین و محتوی کتب دینی هستند (به نقل از سواری و همکاران، ۱۳۸۰). حسینی و دلاویز (۱۳۷۱) پژوهشی را درباره علل عدم گرایش به نماز بر روی ۱۰۰۰ دانش‌آموز دوره راهنمایی و دبیرستان استان مازندران انجام داده‌اند و مهم‌ترین علل عدم گرایش دانش‌آموزان به نماز را به شرح زیر عنوان کرده‌اند: تنبلی و سستی، عدم آگاهی و شناختی پیرامون فواید و آثار نماز، عدم تأثیر نماز در اخلاق و رفتار نمازگزاران، عدم اهمیت افرادی چون پدر، مادر و دوستان آنها به نماز است (به نقل از بشلیده و دیگران، ۱۳۸۲).

کانتر^۱ (۲۰۰۰) بیان می‌کند که میزان تأثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و رفتار آنها بسیار چشم‌گیر است. آنها نقش اساسی در شکل‌گیری اعتقادات فرزندان‌شان بازی می‌کنند و نگرش‌ها و اعتقادات خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تأثیر را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند (نیک‌نژادی و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۶). مصاحبی (۱۳۶۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که بین گرایش به نماز در جوانان و سطح تحصیلات والدین رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات والدین، گرایش به نماز در جوانان افزایش می‌یابد (به نقل از احمدی و امیری، ۱۳۸۱).

عمده تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که تربیت دینی توسط خانواده‌ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی فرزندان دارند. همچنین پژوهش‌ها مؤید این مطلب هستند که مذهب می‌تواند خویشتن‌داری که عنصر اساسی در تربیت است را افزایش دهد و در این میان خانواده و به‌ویژه والدین می‌توانند به‌عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر تربیت دینی تلقی شوند. با

این تعابیر، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان است و در این رهگذر چهار سؤال و فرضیه اساسی مطرح و به دنبال پاسخ‌گویی به آنها خواهیم بود.

تعاریف و مفاهیم

تربیت: تربیت از ریشه «ربو» و باب تفعیل است و در این ریشه معنای زیادت و فزونی می‌دهد و با توجه به ریشه آن، به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است؛ از این رو به معنی تغذیه طفل به کار می‌رود. علاوه بر این، تربیت به معنی «تهذیب» نیز استعمال شده که به معنی زدودن ویژگی‌ها ناپسند اخلاقی است. گویا در این استعمال، نظر بر آن بوده است که تهذیب اخلاقی، مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می‌توان تهذیب را تربیت دانست (باقری، ۱۳۸۴، ۳۷). اما معنی لغوی تربیت: نشو و نما دادن، زیادکردن، برکشیدن و مرغوب یا قیمتی ساختن است. در این معنی اخیر، تربیت از حد افراط و تفریط بیرون آوردن و به حد اعتدال سوق دادن، تعریف شده است (شکوهی، ۱۳۷۸، ۲). رشد دادن یا فراهم کردن زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته یک موجود را تربیت گویند که باید با اصولی همراه باشد تا به نحو احسن صورت گیرد (رهبر، ۱۳۸۵، ۶). از دیدگاه صاحب‌نظران علم اخلاق، فراهم آوردن زمینه برای رشد و پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه موجود در درون او را تربیت می‌نامند (سادات، ۱۳۸۲، ۷). بنابراین می‌توان گفت: هرگونه تغییر مطلوبی که باعث رفتار مثبت و مطلوب در انسان شود، تربیت نامیده می‌شود و این تغییرات باید در رفتار، گفتار، نگرش و اعمال آنها به طور آشکار بروز و ظهور نماید.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت

سال اول
شماره دوم
تابستان ۱۳۹۲



تربیت دینی: تربیت دینی در ادبیات رایج، اصطلاحاً به مفهوم جنبه‌ای از روند تعلیم و تربیت، ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی‌متربی از لحاظ التزام او به دینی معین است. در دایره المعارف بین‌المللی، تعلیم و تربیت چنین تعریف شده است: آموزش منظم و برنامه‌ریزی شده که هدف آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند متعال، حقیقت جهان هستی، زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و دیگر انسان‌هایی است که در جامعه با آنها زندگی می‌کند و بلکه ارتباط با همه احاد بشر است (قاسم پوردهاقانی و جعفری، ۱۳۸۸، ۳۱). تربیت دینی به معنای فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد است، به گونه‌ای که در عمل نیز به آنها پایبند باشند یا به عبارت دیگر، تربیت دینی به هرگونه فعالیت هدفمندی گفته می‌شود که در نظام آموزش و پرورش کشور به منظور تقویت ایجاد شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی طراحی شده است (تقوی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۷). تربیت دینی فرایندی است که در راستای ارضای نیاز فطری به دین، بخش مهمی از زندگی افراد را در برمی‌گیرد. اگر الگوی مطلوبی برای تربیت دینی در دسترس متصدیان این امر نباشد، به خطا رفتن آنها در فهم اهداف، روش‌ها و محتوای تربیت دینی، لطمه بسیار سنگینی به رشد دینی افراد وارد می‌سازد (عطاران، ۱۳۶۶، ۱۲). با این اوصاف، تربیت دینی آن هم در دین اسلام، عبارت‌اند از: ایجاد رفتار مطلوب در فرد که منبعث از قرآن کریم، احادیث و روایات است که در آن ضمن خودشناسی به خداشناسی رسیده باشد و در جهت تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی و دستورات دین کوشش نماید.





تربیت دینی فرزندان، امری لازم و ضروری است و این ضرورت، حداقل از دو دیدگاه فردی و اجتماعی قابل رسیدگی است. از لحاظ فردی، مذهب و دین، پایه و خمیرمایه همه جوانب و ابعاد زندگی فرد و سبب بسیاری از رشدها و ایستایی‌ها است. چه بسیارند امانت‌های الهی که در سایه بی‌توجهی اولیای فرزندان به جنبه‌های عقیدتی و مذهبی او، دچار تزلزل می‌شوند و یا اینکه کودکانی را می‌شناسیم که می‌توانند در آینده‌ای نزدیک، اعضای مفید به حال خود و اجتماع تربیت شوند. تربیت دینی، کنترلی برای اخلاق و ضابطه‌ای برای حیات فردی و اجتماعی به منظور رشد معنویت و آرمان‌گرایی است. دین می‌تواند تقویت‌کننده جنبه فراخور یا وجدان اخلاقی فرد باشد و زمینه را برای وسعت بخشیدن به اطلاعات او فراهم آورد. حجاب‌های شک و تردید در سایه آن برداشته می‌شود و انسان به مراحل از لحاظ رشد می‌رسد که در سایه استدلال عقلی میسر نیست. تربیت دینی فرد، را از سقوط حتمی می‌رهاند و موجب رشد و تعالی وی می‌شود. در جنبه اجتماعی، دین و مذهب عامل انس و الفت هستند و همچنین عاملی برای کنترل فرد در اجتماع که خود را از ایذا و شرارت‌ها و پلیدی‌ها دور نگه دارد (سادات نجومی، ۱۳۹۰، ۲۱). اگر باور داریم که دین برای خانواده، اقتصاد، سیاست و آموزش، دستورات و تعالیمی دارد، باید قبول کرد که تربیت دینی فرزندان امری بسیار مهم و ضروری است و این امر مهم محقق نخواهد شد، جز اینکه والدین بدانند مسئول بخشی از شکست و صدمه فردی و جمعی فرزندان‌شان در آینده هستند، فرزندان بر اساس آنچه دیده‌اند و شنیده‌اند، می‌آموزند و عمل می‌کنند و از این رهگذر نقش والدین پرمعنا خواهد بود.

دین: در اصطلاح دین را به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی مطابق با این اعتقاد تعریف کرده‌اند (بهشتی و نیکویی،

۱۳۸۹، ۱۵۷). علامه طباطبایی رحمته الله علیه در ذیل تفسیر آیه ۳۰ سوره روم، دین را این گونه تعریف می کند: «دین، عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آنها تضمین کننده سعادت حقیقی انسان است. از این رو، لازم است دین با فطرت انسان هماهنگ باشد تا تشریع با تکوین مطابقت داشته باشد و به آنچه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد پاسخ گوید» (نوروزی و بدیعیان، ۹۳، ۱۳۸۸). جوادی آملی دین را این گونه تعریف می کند: «دین مجموعه ای از عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنها تدوین شده است (رضایی زارچی و رهنما، ۱۳۸۸، ۲۹). از نظر عده ای دیگر، دین همان تشکیلات ظاهری و انتظامات است و عده ای نیز می گویند: دین عبارتند از: اخبار، احادیث، قوانین و مقررات است (حجتی، ۱۳۸۵، ۴). با همه این تفاسیر و تنوع تعریف ها می توان دین را پدیده ای آسمانی نامید که از آغازین روزهای خلقت بشر به عنوان هدیه ای ارزشمند به او ارزانی شده و بر همه ابعاد زندگی انسان اعم از فرهنگی، اجتماعی و فرهنگی سایه افکننده است.

خانواده و تعلیم و تربیت: خانواده اساسی ترین رکن در تربیت و یک نهاد طبیعی، فطری، الهی و مهم ترین مکتب تربیت و تکامل انسان ها است و نخستین کانون رشد و آرامش بشری به شمار می آید. خانواده، نهادی طبیعی است؛ چون بر اساس طبیعت، آدمی به عنوان یک مخلوق، مانند سایر مخلوقات با اصل تکوین مطابقت دارد و همچون اصل کلی حاکم بر همه پدیده های عالم در حرکت از نقص به سوی کمال اند. پس تمام عالم بر طبق رحمت خلق شده و بر اساس حکمت به سوی کمال خویش در حرکت هستند. خانواده نهادی است فطری و الهی؛ زیرا که با فطرت و سرشت آدمی از نظر اشتیاق و احتیاج مطابقت دارد (حاجی بابایی، ۱۳۹۱، ۳). خانواده در شکل گیری وجهه نظرها، ارزش ها و



باورداشت‌های افراد نقش اصلی را برعهده دارد و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تأثیر می‌گذارد. از نظر تربیتی نیز تأثیر خانه و خانواده در فرد، بسیار نامحدود است و می‌توان گفت که پایه‌های تربیتی فرد در خانه نهاده شده است؛ چون محیط خانه با فضایی که استقرار روانی در کودک می‌نماید و با وسایلی که نیازمندی‌های روانی او را تأمین می‌کند و فرصتی که برای ارضاء تمایلات و غرایز او فراهم می‌سازد، همگی آنها در طرز رشد او مؤثر هستند. چنان که خانه، اساس صحت اخلاقی فرد را بنیان‌گذاری می‌کند و ارزش‌های اخلاقی را در او نهادینه می‌سازد (آقامحمدی، ۱۳۹۰، ۱۳).

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین نگرش مذهبی والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین رعایت آداب دینی توسط والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین ساده‌زیست بودن والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است؛ چراکه به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه، جهت سنجش نظرات استفاده شده (پیمایشی) است؛ و همچنین برای به نمایش گذاشتن ویژگی‌های نمونه آماری، طرح و تحلیل سؤالات به منظور توصیف وضع موجود از درصد جداول فراوانی و انحراف معیار به کار (توصیفی) استفاده شده است. از سوی دیگر با توجه به موضوع

پژوهش که به بررسی رابطه الگوی تربیتی والدین و تربیت دینی فرزندان می‌پردازد، نوع تحقیق، کاربردی و از نوع همبستگی است؛ چراکه تحقیقات کاربردی در جستجوی دستیابی به یک هدف عملی است و تأکید آن بر تأمین سعادت و رفاه توده مردم و مطلوب بودن فعالیت است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان دیواندره است و نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۱۵ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده‌اند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، از نوع تصادفی ساده بوده و از هر کدام از مدارس، تعدادی به‌صورت تصادفی به طوری که تمام اعضای جامعه شانس مساوی برای انتخاب شدن داشته باشند، صورت گرفته است.

ابزار سنجش و گردآوری اطلاعات

ابزار اندازه‌گیری اطلاعات در این پژوهش به‌جز منابع کتابخانه‌ای از قبیل کتب، مجلات، فصلنامه‌ها و پایان‌نامه از پرسشنامه محقق ساخته برای آزمون فرضیات استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از اجرای آزمون (پرسشنامه پژوهشی) به دو صورت توصیفی و تحلیلی و با استفاده از جدول، درصد و استفاده از آمار تحلیلی «t» و «ضریب همبستگی» صورت گرفته است.



یافته‌های پژوهش

۱. بین نگرش مذهبی والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

بین نگرش مذهبی والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود

ندارد. $H_0: = 0$

بین نگرش مذهبی والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود

دارد. $H_1: \neq 0$

جدول ۱: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین نگرش مذهبی والدین و تربیت دینی فرزندان

شاخص		تربیت دینی فرزندان
نگرش مذهبی والدین	همبستگی پیرسون	۰/۸۴۲
	Sig	۰/۰۰۰
	N	۲۱۵

$P < 0/01$

با توجه به نتایج جدول شماره ۱، چون سطح معناداری کوچک‌تر از مقدار خطای ۰/۰۱ است، در نتیجه فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 که (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین نگرش مذهبی والدین با تربیت دینی فرزندان است، پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در سطح ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معناداری بین نگرش مذهبی والدین و تربیت دینی فرزندان وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۸۴۲ است.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغی

سال اول
شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



۲. بین رعایت آداب دینی والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

بین رعایت آداب دینی توسط والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری

وجود ندارد. $H_0: = 0$

بین رعایت آداب دینی توسط والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری

وجود دارد. $H_1: \neq 0$

جدول ۲: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین رعایت آداب دینی توسط والدین و تربیت دینی فرزندان

شاخص		تربیت دینی فرزندان
رعایت آداب دینی توسط والدین	همبستگی پیرسون	۰/۸۶۸
	Sig	۰/۰۰۰
	N	۲۱۵

$P < 0/01$

با توجه به نتایج جدول شماره ۲، چون سطح معناداری کوچک‌تر از مقدار خطای ۰/۰۱ است، در نتیجه فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 که (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین رعایت آداب دینی توسط والدین با تربیت دینی فرزندان است، پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در سطح ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معناداری بین رعایت آداب دینی توسط والدین و تربیت دینی فرزندان وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۸۶۸ است.

۳. بین ساده‌زیست بودن والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

بین ساده‌زیست بودن والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد. $H_0: = 0$

بین ساده زیست بودن والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد. $H_1: \neq 0$

جدول ۳: نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ساده‌زیست بوده والدین و تربیت دینی فرزندان

تربیت دینی فرزندان		شاخص
۰/۶۲۳	همبستگی پیرسون	ساده زیست بودن والدین
۰/۰۰۰	Sig	
۲۱۵	N	

$P < 0/01$

با توجه به نتایج جدول شماره ۳، چون سطح معناداری کوچک‌تر از مقدار خطای ۰/۰۱ است، در نتیجه فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 که (فرضیه پژوهش) مبنی بر وجود ارتباط بین ساده‌زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان است، پذیرفته می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در سطح ۹۹ درصد رابطه مستقیم و معناداری بین ساده زیست بودن والدین و تربیت دینی فرزندان وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با ۰/۶۲۳ است.

۴. بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آماری مربوط به مقایسه سطح سواد والدین در امر تربیت دینی فرزندان

سطح سواد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	sig
زیر دیپلم	۱۳۱	۹۲/۲۶	۷/۷۲	۱/۴۴	۰/۰۸۶
دیپلم و بالا	۸۴	۹۶/۱۴	۹/۰۹		

همان‌طور که در جدول شماره ۴، مشاهده می‌شود با توجه به اینکه عدد سطح معناداری مشاهده شده یا به عبارتی عدد ۰/۰۸۶ از سطح معناداری قابل قبول (۰/۰۵) بزرگ‌تر بوده، در نتیجه تفاوت معناداری بین سطح سواد والدین در امر تربیت دینی فرزندان مشاهده نشده است.

جمع‌بندی

خانواده، اولین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی می‌یابد. طبق تحقیقات بیشتر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، تجارت کودک در خانواده، زیربنای شخصیت و منش او را شکل می‌دهد. کودکان در محیط خانواده چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را دنبال کنند. والدین، واسطه انتقال آرمان‌های اجتماع به کودک هستند. آرمان‌های فرهنگی و تربیتی هر اجتماعی، تعیین‌کننده نوع و چگونگی آموزش‌هایی هستند که کودک باید فراگیرد. از آنجا که الگوها و آرمان‌های فرهنگی گوناگونی در یک جامعه وجود دارد، والدین نیز براساس الگوها و آرمان‌های فرهنگی تربیتی خویش، فرزندان را به شیوه‌های گوناگونی پرورش می‌دهند. به زعم ماسگرو^۱، محرومیت از والدین چه ذهنی و چه معنوی، رشد و شخصیت فرد را دچار نوعی نقصان خواهد کرد. با این اوصاف، والدین هنوز هم وظایف تربیتی خطیری برعهده دارند؛ زیرا کودکان معاصر بیش از کودکان گذشته، به پدر و مادر خود اعتنا می‌کنند و رفتار آنان را سرمشق و الگو قرار می‌دهند؛ پس هرگونه عملی که از والدین سرزند، چه مثبت و چه منفی، در حافظه فعال فرزند ثبت خواهد شد و بعدها مورد استفاده جدی قرار خواهد گرفت.

همان‌طور که بیان شد، تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه تربیت دینی صورت گرفته است که هر یک از آنها از زوایای خاصی به موضوع نگریسته‌اند؛ محققانی که در این پژوهش نظرات خود را بیان کرده‌اند عبارت‌اند از: نوروزی و بدیعیان (۱۳۸۸)، همت بناری (۱۳۸۵)، بهشتی و نیکویی (۱۳۹۰)، جمال‌زاده (۱۳۸۵)، حسنی (۱۳۸۸)، رحمانی (۱۳۸۲)، نیک‌نژاد و همکاران (۱۳۸۶)

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت

سال اول

شماره دوم

تابستان ۱۳۹۲



و غیره؛ اما تحقیقات میدانی در این زمینه، زیاد به چشم نمی‌خورد و مقاله حاضر کوششی بوده است در جهت رفع کم‌وکاست این محدودیت و با تأکید بر نقش بی‌همتای والدین در تربیت دینی فرزندان؛ چراکه دغدغه تربیت کودکان از دیرباز در همه خانواده‌ها وجود داشته است و اولیاء به داشتن فرزندی مؤدب، اجتماعی و دارای خصوصیتی برتر، علاقه‌مند هستند. طبق تحقیقات صورت گرفته، فرزندی که دارای ویژگی‌های نیکویی هستند در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که پدر و مادر طبق یک الگوی تربیتی واحد و خوب، رشد کرده و فرزندان خود را نیز آن‌گونه تربیت نموده‌اند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نگرش مذهبی والدین نقش اساسی در تربیت دینی فرزندان به دنبال خواهد داشت و بین این دو مقوله ارتباط و وابستگی بالایی وجود دارد؛ یعنی داشتن دیدی مثبت یا منفی در مورد مذهب به طور قطع بر ذهن فرزند تأثیر مثبت یا منفی به جای خواهد گذاشت. پس اینجا است که نقش خانواده و به‌ویژه نقش والدین در تربیت دینی فرزندان مشخص خواهد شد. بسیاری از رفتارها و گرایش‌های افراد، از قبیل گرایش به نماز و روزه، شرکت در کارهای خیر و اهمیت دادن به وظایف و تکالیف دینی، اغلب متأثر از تجارب خوشایند تربیتی آنان در خانه و خانواده است. بنابراین وظیفه ذاتی و اولیه والدین است که در دوران کودکی به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن، آموخته‌های مذهبی و دینی را با تجارب و احساسات خوشایند گره بزنند. که در این زمینه می‌توان به نتیجه تحقیق کریمی (۱۳۸۰) و کانتز (۲۰۰۰) اشاره کرد. در تحقیقات جانبی دیگری، نقش مذهب در سایر مؤلفه‌ها از جمله شادکامی بررسی شده است و نتایج نشان داده‌اند که مذهب یکی از فاکتورهای مهم در میزان شادکامی افراد است و بی‌شک این شادکامی توجه به ارزش‌ها و اهداف

معنوی و عشق به خداوند متعال را صدچندان می‌کند که می‌توان به نتایج تحقیق صحرائیان و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کرد.

از دیگر نتایج تحقیق، رعایت کردن آداب دینی والدین و تأثیرگذاری آن در تربیت دینی فرزندان است. برای اینکه الگوپذیری فرزندان از والدین به خوبی صورت گیرد، نیاز است که کردار و گفتار یکی شود. آنچه والدین می‌گویند و به آن عمل می‌نمایند به منزله حجت تلقی شده و از اعتبار خاصی برخوردار خواهد بود. اغلب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری است و اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری افراد، کانون خانواده است؛ چراکه بسیاری از نخستین مهارت‌ها در سال‌های اول زندگی فرا گرفته می‌شوند و در این مرحله است که نخستین نصف‌النهار شخصیت فرد شکل می‌گیرد. بدیهی است چون افراد انسانی عاشق کمال و جمال‌اند، وقتی به طور عملی با رفتار پدران و مادران که مظاهری از این کمال و جمال هستند، برخورد کنند، بی‌اختیار شیفته و بی‌قرار شده و به‌سوی الگوی خوب جذب می‌شوند تا در پرتو این نزدیکی، به همانندسازی بپردازند. کودکان در تقلیدپذیری مشهور هستند؛ آنها بسیاری از رفتارها و حرکات را از طریق تقلید کردن از دیگران و بزرگ‌ترها می‌آموزند. به همین دلیل می‌گویند وقتی که قصد آموزش رفتاری را به کودکان دارید، الگوی خوبی از آن رفتار را در معرض دید آنان قرار دهید تا آنها به تبعیت از آن الگو بپردازند. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «كونوا دعاة الناس بغير السننكم»؛ یعنی مردم را به غیر زبان‌هایتان به راه خدا دعوت کنید. ایشان دعوت با عمل را مؤثرتر از دعوت از طریق سخن می‌دانست. خداوند برای هدایت انسان‌ها، الگویی ارزشمند و متعالی در معرض دید آنها قرار داده است و می‌فرماید: «و قد كان لكم فی رسول الله اسوة حسنة»؛ پس به درستی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای شما اسوه نیکویی است. قرآن کریم نیز از تأثیرگذاری رفتار و گفتار خانواده بر فرزندان خبر می‌دهد که

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه
تربیت تبلیغی
سال اول
شماره دوم
تابستان ۱۳۹۲



بسیاری از اقوام منحرف گذشته به خاطر آداب و رفتار خانواده‌های خود، به دره هولناک رذایل اخلاقی سقوط کردند، چنانچه می‌فرماید: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا»؛ و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند، می‌گویند: پدران خود را بر این عمل یافتیم (قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۲۸). در آیه دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»؛ و هنگامی که به آنها گفته شود؛ از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند: نه، ما از آنچه که پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۷۰). نتایج تحقیقات میدانی ثابت کرده‌اند، والدینی که در انجام مراسمات دینی به طور عملی شرکت می‌کنند، فرزندان آنها نیز دقیقاً آن اعمال را انجام می‌دهند که می‌توان به نتایج تحقیقات نصر و همکاران (۱۳۸۷)، آقامحمدی و همکاران (۱۳۸۹)، جوادی و سادی (۱۳۷۶) و حسینی و دلاویز (۱۳۷۱) که هر کدام از زوایایی خاص نتیجه تحقیق حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهند، اشاره کرد.

ساده‌زیست بودن والدین، مؤلفه دیگری بود که در جریان پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت و با تربیت دینی فرزندان پیوند خورد و همبستگی نسبتاً بالایی میان آن دو به دست آمد؛ اگرچه تاکنون هیچ تحقیق میدانی در این زمینه با بررسی‌های که صورت گرفته، یافت نشده است، اما می‌توان نتیجه تحقیق را با نمونه‌های عینی که عبارت است از: راه و روش بزرگان دین از جمله رسول مکرّم اسلام ﷺ، علی علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام که هر سه بهترین الگو از یک انسان کامل بوده و خواهند بود، پیوند داد. که در اینجا به ساده‌زیستی شاگرد راستین مکتب نبوی و علوی، حضرت زهرا علیه السلام اشاره خواهیم کرد؛ روزی سلمان فارسی چادر کهنه ایشان را دید که با لیف خرما دوازده جای آن وصله شده بود، متعجب شد و با گریه چنین گفت: «دختران قیصر و کسری در سندس و حریرند و دختر محمد ﷺ روپوشی کهنه بر تن دارد که دوازده جای آن

وصله شده است». آن حضرت گفت: «یا رسول الله ﷺ! سلمان از لباسم تعجب کرده است، قسم به آنکه تو را به حق مبعوث فرمود، پنج سال است که من و علی جز یک پوست گوسفند نداریم که روزها بر روی آن به شترمان علف می‌دهیم و چون شب فرا می‌رسد آن را فرش می‌کنیم و بالش ما از پوستی است که درون آن از لیف خرما پر شده» است (بحارالانوار، ۸، ۳۰۳).

میزان تحصیلات والدین به عنوان آخرین مؤلفه در تربیت دینی فرزندان به بازی گرفته شد که تفاوت معنادار و آشکاری میان سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان مشاهده نشد. اگرچه مصاحبی (۱۳۳۸) و آقامحمدی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقات خود به نقش تحصیلات والدین در گرایش فرزندان آنها به نماز اشاره می‌کنند و می‌افزایند هرچه سطح سواد والدین بالاتر باشد، میزان گرایش به نماز در فرزندان آنها افزایش خواهد یافت.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول
شماره دوم
تابستان ۱۳۹۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

* قرآن کریم.

۱. آقامحمدی، جواد؛ نگاهی به مبانی نظری آسیب‌های اجتماعی در حوزه خانواده؛ سندج: انتشارات نویان، ۱۳۹۰.
۲. آقامحمدی، جواد و همکاران؛ «بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد»؛ ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۳۹ و ۴۰، ۱۳۸۹، صص ۸۷-۷۸.
۳. احمدی، غلامرضا و سید محمدرضا امیری؛ «بررسی پاره‌ای از ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی و آموزشی دانش‌آموزان نمازگزار پسر دوره راهنمایی منطقه جی شهر اصفهان»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی الزهراء ع، سال ۱۲، شماره ۴۲، ۱۳۸۱.
۴. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
۵. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ جلد ۸، تهران: انتشارات الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۶. بشلیده، کیومرث و همکاران؛ «بررسی عوامل مؤثر درون مدرسه‌ای جذب دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان خوزستان به نماز»؛ مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال دهم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۸۲، صص ۹۰-۶۳.
۷. بهشتی، سعید و روشنگر نیکویی؛ «کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»؛ فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال ششم، شماره ۱۸، ۱۳۸۹، صص ۱۷۸-۱۵۳.
۸. تقوی نسب، سیده نجمه و همکاران؛ «ضرورت نوآوری در روش‌های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی»؛ دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۹، ۱۳۸۸، صص ۴۵-۲۵.
۹. جزایری، مهناز؛ شخصیت پیشرفته؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.
۱۰. جمالی زاده، احمد؛ «سیره‌شناسی و تربیت دینی، مجله مطالعات ایرانی»؛ سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۸۵، صص ۹۰-۷۱.
۱۱. حاجی بابایی، حمیدرضا؛ «نقش خانواده در تربیت اسلامی»؛ ماهنامه پیوند، شماره ۳۹۷، ۱۳۹۱، صص ۵-۳.
۱۲. حجتی، سید محمدباقر؛ اسلام و تعلیم و تربیت؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۳. حسینی، سید محمدابراهیم؛ «روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج‌البلاغه»؛ دوماهنامه علوم انسانی، سال چهاردهم، شماره ۵۷، ۱۳۸۴، صص ۱۶۰-۱۴۴.
۱۴. رحمانی، جعفر؛ «روش‌شناسی تربیتی امام خمینی»؛ مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، تهران: موسسه فرهنگی محراب قلم، ۱۳۸۲، صص ۹۵-۶۱.
۱۵. رضایی زارچی، رضا و اکبر رهنما؛ «بررسی نسبت جهانی‌شدن با تربیت دینی»؛ ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۳۸، ۱۳۸۸، صص ۳۷-۳۲.

۱۶. رهبر، محمدتقی؛ *اخلاق و تربیت اسلامی*؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۱۷. سادات، محمدعلی؛ *اخلاق اسلامی*؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۱۸. سادات نجومی، زهرا؛ «تربیت دینی کودکان و خانواده»؛ ماهنامه پیوند، شماره ۳۸۱، ۱۳۹۰، صص ۲۳-۲۱.
۱۹. سیلان اردستانی، شمسی؛ *راه‌های گسترش فرهنگ نماز در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان اردستان*؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۹.
۲۰. سواری، کریم و همکاران؛ «بررسی دیدگاه‌های فلسفی - عقیدتی دانش‌آموزان پسر پایه سوم مقطع متوسطه شهر اهواز در مورد نماز»؛ *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره سوم، سال هشتم، شماره‌های ۲ و ۱، ۱۳۸۰، صص ۱۰-۱.
۲۱. شکوهی، غلامحسین؛ *تعلیم و تربیت و مراحل آن*؛ مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۲. صالحی، اکبر و مصطفی یاراحمدی؛ «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی»؛ *دو فصلنامه تربیت اسلامی*، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۸۷، صص ۵۰-۲۳.
۲۳. صحرانیان، علی و همکاران؛ «رابطه نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز»؛ *فصلنامه افق دانش*، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، دوره هفدهم، شماره ۱، ۱۳۹۰، صص ۷۴-۶۹.
۲۴. عطاران، محمد؛ *آرای مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک*؛ تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
۲۵. قاسم‌پور دهقانی، علی و سید ابراهیم جعفری؛ «سازواری‌ها و ناسازواری‌های تلقین در تربیت دینی»؛ *دو فصلنامه تربیت اسلامی*، سال چهارم، شماره ۸، ۱۳۸۸، صص ۹۰-۶۵.
۲۶. کریمی، منیره؛ *بررسی رابطه نگرش مذهبی والدین و شیوه فرزندپروری والدین و نگرش مذهبی دختران*؛ دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۰.
۲۷. نصر، احمدرضا و همکاران؛ «بررسی فرا تحلیلی عوامل مؤثر بر جذب و شرکت دانش‌آموزان در نماز جماعت مدارس»؛ *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۷، صص ۸۶-۶۵.
۲۸. نوروزی، رضاعلی و راضیه بدیعیان؛ «الگوی روابط انسانی در تربیت دینی با تأکید بر سیره امام حسین (علیه السلام)»؛ *فصلنامه اندیشه دینی*، دانشگاه شیراز، شماره ۳۳، ۱۳۸۸، صص ۱۰۸-۹۱.
۲۹. نیک‌نژادی، فرزاد و همکاران؛ «تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان»؛ *فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، شماره ۱۴، ۱۳۸۶، صص ۴۲-۲۳.
۳۰. همت بناری، علی؛ «در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تأکید بر آیات و روایات»؛ *دو فصلنامه تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۸۵، صص ۴۰-۷.